

سرگذشت پُریچ و خمِ رمان جنایی

پیتر گاتریچ
ترجمه پرتو شریعتمداری



فاسد سر و کار پیدا می‌کند و در همه حال به چند اصل ساده اخلاقی پایبند است (تقریباً در اغلب موارد هم این شخصیت مرد بوده است). ریموند چندلر امریکایی که هنر جنایی‌نویسی را با سرمشق گرفتن از آثار داشیل هامت (یکی از موفق‌ترین نویسندگان عامه‌پسند) فراگرفت، جمله معروفی در توصیف این نوع پلیس یا کارآگاه قهرمان دارد: «در خیابان‌های این محلات محقر باید رهگذری باشد که روحش حقیر نباشد؛ مردی که نه شهرتش خدشه‌دار باشد و نه بترسد.»

در دو دهه نخست پس از دومین جنگ جهانی، رمان‌های جنایی و پلیسی، اعم از آن‌ها که قهرمان اصلی‌شان کارآگاهی خصوصی یا یک مأمور وظیفه‌شناس پلیس بود، دنباله‌رو گذشته بودند. اما رفته‌رفته دو سبک جدول کلمات متقاطع انگلیسی و روان‌شناسی امریکایی به هم آمیخت.

در دهه ۱۹۶۰ ادبیات پلیسی و جنایی دستخوش تحولی اساسی شد و ویژگی‌های صوری آن تغییر کرد. لن دایتون، مورخ و رمان‌نویس و بویژه جان لوکاره، نویسنده داستان‌های جاسوسی (از جمله کتاب جاسوسی که از سردسیر آمد) که هر دو انگلیسی هستند، قلمروهای تازه‌ای در داستان‌های جنایی دوران جنگ و داستان‌های جاسوسی اولین سال‌های جنگ سرد آفریدند و فضاهای دلهره‌آفرین و مهیج بی‌سابقه‌ای به‌وجود آوردند.

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی هم ژانر رمان‌های پلیسی به اشکال مختلف باز آفرینی شد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ کارآگاه خصوصی رمان‌های عامه‌پسند به یک مأمور عادی که نقاط ضعفی دارد و گرفتار مقررات اداری پلیس مدرن است تغییر یافت. این قهرمان تازه رمان‌های جنایی، انسانی از لحاظ اخلاقی درستکار اما دچار تشویش‌های عاطفی بود. با استفاده از این الگو بود که جیمز لی برک، جنایی‌نویس امریکایی، شخصیت دیو رابیشو را آفرید: پلیسی که

رایج‌ترین نوع ادبیات داستانی در جهان امروز، رمان جنایی است که هم روز بروز رونق بیشتری پیدا می‌کند و هم در نوعی بن‌بست گرفتار شده است. عناصر داستان‌های جنایی و کارآگاهی از دوران پایه‌گذاران این ژانر ادبی، یعنی کنان دوئل، ادگار آلن پو و ویلکی کالینز (البته نباید سهم اوژن فرانسوا ویدوک فرانسوی را که زمانی دزد بود و بعد مأمور پلیس شد و با انتشار خاطراتش در ۱۸۲۸ زمینه را برای پیدایش این ژانر فراهم آورد، فراموش کرد) تاکنون یکسان مانده است. به این معنا که ساختار هر یک از چنین

داستان‌هایی بر سه اصل تکیه دارد: وقوع یک جنایت، تحقیق و بررسی برای کشف عامل یا عاملان، و گره‌گشایی یا کشف عامل جنایت.

البته در طول دهه‌هایی که از عمر این ژانر می‌گذرد، شیوه بیان و تأکید نویسندگان بر هر یک از عوامل نامبرده تغییر کرده است. نویسندگان عصر طلایی داستان‌های جنایی، یعنی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ کسانی چون آگاتا کریستی، دروتی ال سی‌یرز، نایو مارش و مارجرای آلینگهام، بسیار بیشتر از جنایی‌نویسان پیش از خود در دوره ویکتوریا، بر انسجام داستان و تمرکز موضوع آن تأکید داشته‌اند. داستان‌های آن‌ها همچنین کمتر شخصیت‌محور بود و پیرنگ در آثار آن‌ها نقش مهم‌تری ایفا می‌کرد. آن‌ها رمان جنایی و پلیسی را به مثابه یک جدول کلمات متقاطع می‌دیدند که به مدد پیرنگ داستان تمام خانه‌های آن پر می‌شود.

در امریکا، نویسندگان داستان‌های عامه‌پسند در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ به نوعی آسیب‌شناسی روانی خام و ابتدایی روی آوردند و در همان حال الگوی شخصیتی را به‌وجود آوردند که رفته‌رفته به یک قهرمان پایا تبدیل شد: کارآگاهی یکه و تنها که به کمک ویسکی زنده است، با زن‌های زیبا اما خطرناک و مرد‌های ثروتمند و

است و آن این که ادبیات جنایی همیشه محبوب بوده و خواهد بود.

سه رمان جنایی ماندگار

آخرین پرونده ترنت نوشته ادmond کلرپیهو بنتلی (نویسنده انگلیسی) که پیش از دوران طلایی رمان‌های جنایی و در سال ۱۹۱۳ منتشر شد، اما ساختاری بسیار نامتعارف و مدرن دارد.

فرشته رانده شده به قلم ویلیام هورتسبرگ، در سال ۱۹۷۸ نوشته شد و در ۱۹۸۷ هم اقتباس سینمایی آن با نام Angel Heart به نمایش درآمد. این رمان ماجرای یک کارآگاه خصوصی به نام هارولد اینجل است (نویسنده در عنوان کتاب با نام قهرمان رمان و لقب شیطان بازی کرده است). یک مشتری شرور اینجل را اجیر می‌کند تا آوازخوانی به نام جانی فی وریث را که از جنگ جهانی دوم ناپدید شده پیدا کند.

توکیو سومین رمان مو هیدر، جنایی‌نویس بریتانیایی است که در سال ۲۰۰۲ منتشر شد و موضوع آن تلاش یک دانشجو برای دست‌یافتن به فیلمی درباره قتل عام ۱۹۳۷ نانکینگ است که طی آن بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر از شهروندان چین به وسیله ارتش امپراتوری ژاپن کشته شدند.

هنوز دچار کابوس‌های ناشی از جنگ ویتنام است و کشته‌شدن همسر مددکارش هم مزید بر علت و باعث افسردگی او شده است. نمونه دیگر، شخصیت جان ریباس است که یک مجموعه تلویزیونی پلیسی به نام «بازرس ریباس» براساس ماجراهای او ساخته شد. ریباس که آفریده یان رانکین، نویسنده اسکاتلندی است، پلیسی کج‌خلق با ظاهری نه چندان آراسته است که به مظاهر قدرت بدین است و نسبت به آدم‌های بدبیار همدردی نشان می‌دهد.

همزمان با پیدایش این قهرمان‌های جدید، جنایی‌نویسان نازک‌بین و تیزهوشی چون روت رندل انگلیسی‌گرایش به استفاده از روان‌شناسی در داستان‌های جنایی را به عرصه‌ای تازه کشاندند و آن را با ظرافت و پیچیدگی بیشتری همراه کردند.

اسکات ترو، حقوقدان و نویسنده امریکایی با رمان بی‌گناه فرضی (۱۹۸۷) زیرمجموعه تازه‌ای برای رمان‌های جنایی به‌وجود آورد که می‌توان آن را رمان‌های مهیج حقوقی خواند؛ نوع جدیدی از داستان که جان گریشام، نویسنده امریکایی فروش آن را تا ارقامی باورنکردنی بالا برد.

در همین حال رمان‌های قاتل زنجیره‌ای هم رکورد تازه‌ای در فروش به‌جا گذاشت. تامس هریس، فیلم‌نامه‌نویس امریکایی، اگرچه مبتکر این نوع رمان جنایی نبود، با خلق آثاری چون اژدهای سرخ (۱۹۸۱) و شاهکارش، سکوت بره‌ها (۱۹۸۸) رمان وحشت و حادثه‌ای را به اوجی تازه رساند.

صراحت رمان‌های قاتل زنجیره‌ای در توصیف خشونت و خونریزی، راه را برای نمایش هر چه بیشتر خشونت گشود. تا دهه ۱۹۹۰ و زمانی که رمان‌های پاتریشیا کورن ول، جنایی‌نویس امریکایی که قهرمان داستان‌هایش یک آسیب‌شناس پزشکی قانونی است به بازار آمد، دوستداران رمان‌های جنایی آن قدر از آناتومی بدن انسان آگاه شده بودند که شاید به‌خوبی می‌توانستند بدون کمک متخصص، جسدی را کالبدشکافی کنند!

در واقع آن بن‌بستی که ژانر جنایی‌نویسی در آن گرفتار شده و در ابتدای این گفتار هم به آن اشاره شد، همین است. به نظر می‌رسد ادبیات جنایی مدرن در تشریح خشونت هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. این رمان‌ها لبریز از توصیف شکنجه و مرگ‌اند. قربانیان جنایات از هر گروه سنی انتخاب می‌شوند. با این همه، خوانندگان همچنان از نویسنده انتظار دارند که اجزای معادله داستان‌های پلیسی، یعنی وقوع جنایت، بررسی و تجسس پلیس و گره‌گشایی را در این آثار به‌کار بگیرد.

البته جنایی‌نویس‌ها همواره میزان تأکید خود بر هر یک از این عناصر اصلی را تغییر می‌دهند. امروزه، در حالی که می‌بینیم ژانر رمان جنایی قاتل زنجیره‌ای در مخمصه خشونت‌پردازی بی‌تناسب دست و پا می‌زند، شاهد آنیم که داستان‌های جنایی تاریخی محبوبیت فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند و قهرمان‌های حقیقت‌جو و عدالت‌خواه نویسندگان کتاب‌های جنایی ممکن است به هر دوره تاریخی یا هر سرزمینی، از رم باستان گرفته تا چین دهه‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ تعلق داشته باشند. می‌پرسید بعد به کجا می‌رسیم؟ فقط یک نکته مسلم



نرم افزار جامع مدیریت کتابخانه‌ها

MDI – MULTITHRIDING – C#. NET

ساده – قدرتمند – حرفه‌ای

۳ سال ضمانت - یک سال پشتیبانی رایگان - خدمات پس از فروش دائم

همارالبر بالندگی کتابخانه‌ها می‌اندیشد

نشانی: شیراز - فلکه گاز - روبروی دبستان ۱۷ شهریور - ساختمان ملیکا - طبقه اول -

تلفن و نمابر: ۲۲۸۷۶۹۳ - ۲۲۸۳۹۷۳ - ۰۷۱۱

WWW.HAMARALIB.IR
INFO@HAMARALIB.IR